

کیمیای

۱۱

خونخواهی

موسسه عالی شعر

۱۱

برخیز به خونخواهی

گفتاری از حجت الاسلام محمد رضا عابدینی
پیرامون فلسفه خون خواهی امام شهید انقلاب
در امتداد خون خواهی سید الشهداء





صحبفه ٧٨

استكبارستیزی ١١، تابستان ١٤٠٥

برخیزیه خون خواهی

گفتاری از حجت الاسلام محمدرضا عابدینی پیرامون فلسفه خون خواهی امام شهید انقلاب درامتداد

خون خواهی سیدالشهدا علیه السلام

تنظیم: معاونت تولیدات رسانه ای جامعه ایمانی مشعر

طراح جلد و صفحه آرا: حسن ناصری

شمارگان: ٥٠٠٠ نسخه

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت ها، در صورت ذکر منبع آزاد می باشد.



نشریهیات امروز

انتشارات هیأت امروز

پایگاه اطلاع رسانی: heyatemrooz.ir

شبکه های اجتماعی: @heyatemrooz_ir

رایانامه: info@1542.org



جامعه ایمانی مشعر

قم - کدپستی: ٣٧١٩٦ - ١٥٤٤٢

سامانه پیامک: ٣٠٠٠١٥٤٢

پایگاه اطلاع رسانی: www.1542.org

بسم رب العزائم

امام خامنه‌ای عظمت‌الله :

این انتقام، خواست ملت ما است و به طور حتمی باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد. آنها باید بدانند که این امر، متوقف بر وجود شخص من یا سایر مسئولان نیست. ما باشیم یا نباشیم، این مطلب محقق خواهد شد و بزودی آحادی از آزادگان در سراسر دنیا هر یک بخشی از این مأموریت الهی را انجام خواهند داد.^۱

۱. بخشی از پیام رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت تشییع و تدفین رهبر شهید انقلاب، ۱۴۰۵/۴/۱۸

مقدمه

خون‌خواهی در اندیشه شیعی، نه یک شعار عاطفی زودگذر، که حقیقتی عمیق و پیوندی ناگسستنی با توحید و عدالت دارد. این مفهوم، ریشه در آیات قرآن داشته و ولایت را در عرصه‌های فردی و اجتماعی به نمایش



می‌گذارد. خون سیدالشهدا علیه السلام، به دلیل جامعیت بی‌نظیرش، نه تنها نماینده همه خون‌های به ناحق ریخته شده در طول تاریخ است، بلکه خون خواهی او، محور همه خون خواهی‌ها و موتور محرک امت و زمینه‌ساز قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای اقامه قسط و عدل جهانی به شمار می‌رود.

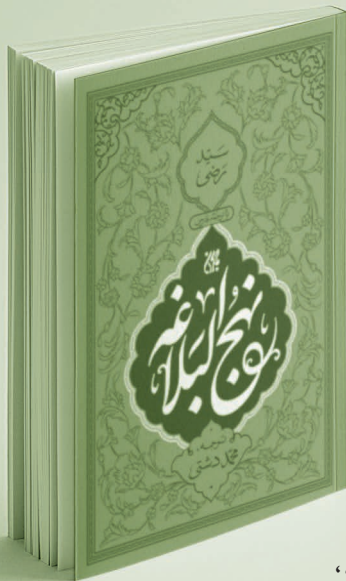
در این میان، شهادتِ نائبِ برحقِ امامِ زمان یعنی امام شهید انقلاب، این مفهوم والا را از مرحله انتزاع و ذهن به عرصه عینیت و احساس همگانی کشانده و گویی زمان تحقق وعده الهی برای زنده شدن جریان خون خواهی حسینی فرا رسیده است.

متن پیش‌رو، برگرفته از بیانات ارزشمند استاد محمدرضا عابدینی، بر آن است تا با رویکردی تحلیلی و روایی، ابعاد گوناگون این خون خواهی تمدنی را از منظر شخصیت حقوقی امام، مراتب انتقام، نقش مؤمنان و انقلاب اسلامی و پیوند آن با ظهور منجی موعود، تبیین نموده و ضرورت تبدیل این معارف ناب به گفتمانی فراگیر و حرکت‌آفرین را در جامعه امروز، به ویژه پس از واقعه جانسوز شهادت رهبر عزیزمان، روشن سازد.

عینیت بخشی به مفاهیم دینی

در آیه شریفه «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»،^۱ خداوند برای ولی مقتول، سلطه و حقّ خون‌خواهی قرار داده است؛ این ولایت، نه فقط در نظام فردی، بلکه در نظام اجتماعی و حاکمیتی نیز جاری است و اگر مقتول، امام باشد، ولی او امام بعدی و همه مردم تابع او، می‌باشند. از آن جهت که امام، پدر معنوی همه ماست و ما فرزندان او هستیم، از این رو همگی در تبعیت از فرزند ارشد امام، خون‌خواه او خواهیم بود. در چنین بستری، **شهادت رهبر عزیز و فرماندهان والامقام، خون‌خواهی را از یک مفهوم انتزاعی به حقیقتی عینی و ملموس در جامعه تبدیل کرده و گویی زمان زنده شدن جریان خون‌خواهی سیدالشهداء (علیه السلام) به دست امام**

زمان عَلَيْهِ السَّلَام فرارسیده است؛ زیرا دین ما پس از قرن‌ها زیستِ مفهومی، اکنون در آستانه تحولی عمیق قرار گرفته و از قالبی خنثی و نظری به عینیتی پویا، انگیزه‌بخش و حرکت‌آفرین دگرگون گشته است.



روایاتِ معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام این دگرگونی را به «پوستینِ پشت و رو شده» تشبیه کرده‌اند، چنانکه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در نهج البلاغه می‌فرمایند: «وَلَيْسَ الْإِسْلَامُ لُبْسَ الْفَرْوِ مَقْلُوباً»^۱؛ اسلام در آن دوران، چنان وارونه می‌نماید که رویه و آسترِ آن تفاوتی آشکار و شگرف دارند و این همان فاصله عمیق میان دینِ مفهومیِ سرد و دینِ مصداقی شورانگیز است. دینِ مصداقی آن است که انسان را به جوشش و حرکت وامی‌دارد، درحالی‌که دینِ مفهومی، مایه افسردگی و خمودگی می‌شود. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز تأکید دارند که هنگام قیام قائم عَلَيْهِ السَّلَام،

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸.

مردم به اسلامی تازه و امری فراموش گشته دعوت می‌شوند،^۱ امری که عموم مسلمانان از آن گمراه شده‌اند و اساساً او را بدین جهت «مهدی» نامیده‌اند که به همان حقیقت گم شده هدایت می‌نماید؛ حقیقتی که نه تغییری در اصول، بلکه اقامه عینی دین است، آن چنان که ناآشنایان گمان می‌برند دینی نو آورده شده است.

در میان تمام مفاهیم دینی آشنا، جریان حوادث اخیر به روشنی نشان می‌دهد که دست تکوین، واژگان ذهنی را به عینیت محض مبدل می‌سازد و بارزترین نمونه، مفهوم «ثار» در زیارت عاشورا است؛ در فراز «السَّلامُ عَلَیْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ»، خداوند، سیدالشهداء (علیه السلام) را خون به ناحق ریخته‌ای معرفی می‌کند که خون خواهی او بر دوش زائر نهاده شده است. این واژه، اگرچه تاکنون با اشک همراه بود، اما تا دیروز تکان عملی نمی‌آفرید و صرفاً لفظی آشنا بر زبان‌ها بود. امروز، با شهادت نائب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، خدای سبحان این کلمه را پس از هزار و اندی سال، برای ما کاملاً محسوس و وجدانی ساخته است تا جایی که هر بار واژه «ثارالله» را می‌شنویم، خون در رگ‌هایمان به جوشش درآمده و با تمام گوشت و پوست مان معنای آن را درک می‌کنیم. این درک جان‌سوز، چنان انگیزه و قدرتی پدید می‌آورد که برای مقابله با

۱. شیخ کورانی، معجم احادیث الإمام المهدي (علیه السلام)، ج ۴، ص ۵۱؛ قال الصادق (علیه السلام): «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَ هَدَاهُمْ إِلَى أَمْرٍ قَدْ دُثِرَ وَضَلَّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ وَإِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيّاً لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرٍ مَضْلُوعٍ عَنْهُ وَ سُمِّيَ الْقَائِمُ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ.»

ظالمان، مصمّم و بی‌پاک به میدان می‌شتابیم. اهل لغت نیز «ثار» را به کسی معنا کرده‌اند که هرگز آرام نمی‌گیرد تا خونِ خود را بازستاند، از این رو خون‌خواهی سیدالشهداء علیه السلام، پرونده‌ای در جریان است که تا ظهورِ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الموعود و بازپس‌گیریِ کاملِ حق، ادامه خواهد داشت. در این مسیر، ضرورتِ ساده‌سازیِ معارفِ دینی با زبانی روان و قرآنی، بیش از پیش نمایان می‌شود تا مفاهیم عمیق از قالبِ انتزاعی خارج شده و در ادبیاتِ مصداقیِ جامعه جاری گردند. هدف آن است که هر فرد، در هر موقعیتی، حضورِ امام و جایگاهِ خون‌خواهی او را به صورتِ ملموس در زندگیِ خود احساس کند و این نگاهِ شهودی، انسِ حقیقیِ مردم با امام را تسهیل نموده، آنان را به حقیقتِ واقع نزدیک‌تر ساخته و زمینه‌سازِ قیامی همگانی در امتدادِ خونِ شهیدان می‌گردد.

یا شاکر الحسین علیه السلام

www.khattar.ir

جامعیت خون سیدالشهدا علیه السلام

با توجه به اینکه خون سیدالشهدا علیه السلام از جامعیتی کامل برخوردار است، طبیعتاً انتقام‌گیری برای آن نیز جنبه‌ای فراگیر و همه‌شمول خواهد داشت. عبارت «أَيْنَ الطَّالِبِ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ» در دعای ندبه، افق بحث را چنان وسعت می‌بخشد که ثابت می‌کند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نه تنها خون خواه سرور شهیدان، بلکه طالب خون تمام پیامبران و فرزندان معصوم آنان می‌باشد. در ادامه و بلافاصله پس از این فراز، عبارت «أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ» به صورت جداگانه ذکر می‌شود تا نشان دهد که این قسمت، عنوان جامعی است که تمام آن خون‌خواهی‌های گسترده را در بر می‌گیرد. به عبارتی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خون‌بهای تمام مظلومانی را که در گذر تاریخ به ناحق کشته شده‌اند طلب

می‌کند که در صدر همه آن‌ها، شهید کربلا قرار دارد. در حقیقت، واقعه کربلا مظهر جمع تمام ستم‌هایی است که در طول تاریخ رخ داده و همگی در جریان عاشورا علیه امام حسین علیه السلام تجمع گردیده است. بر این اساس، فراز «أَيْنَ الظَّالِمِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ» نقش یک عنوان «جامع» را ایفا می‌کند و فراز «أَيْنَ الظَّالِمِ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ...» که مقدم بر آن آمده، اشاره به این نکته دارد که واقعه کربلا مقام «اجمال» این مصائب و سرگذشت انبیا مقام «تفصیل» آن به شمار می‌رود.

در این میان جای این سؤال باقیست که چرا با وجود اینکه همه امامان ما به شهادت رسیده‌اند، شعار خون‌خواهی، «يَا ثَارَاتِ الْحُسَيْنِ عليه السلام» فقط مخصوص امام حسین علیه السلام است؟ دلیل آن، تمرکز و اجتماع همگان بر این محور واحد است؛ چرا که واقعه عاشورا جامعیتی بی‌نظیر دارد. وقتی خود این خون‌جامع باشد، طبیعتاً خون‌خواهی آن نیز جامع خواهد بود. این خون نماینده تمام خون‌های به ناحق ریخته شده است؛ بدین معنا که هر مصیبتی در طول تاریخ به وقوع پیوسته، در حادثه کربلا نیز محقق شده، بلکه این مصیبت، به مراتب عظیم‌تر بوده و در اوج و قله همه مصائب جای دارد؛ قله بودن مظلومیت امام حسین علیه السلام به این معناست که تمام دامنه‌های مظلومیت را در خود جای داده است و با خون‌خواهی او، خون‌خواهی تمام مظلومان گذشته نیز محقق خواهد شد.

از این رو، خون خواهی امام حسین علیه السلام بالاترین خون خواهی ها و جامع تمام آن هاست. نهضت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در پی آن است که صدر و ذیل تاریخ را به یکدیگر گره زده و آن ها را به عنوان حقیقتی واحد به تصویر بکشد. بدین ترتیب منجی موعود از صدر عالم خون خواه هابیل بوده و این روند تا جریان شهادت تمام انبیا و فرزندان انبیا و اولیای الهی که مظلومانه به دست ظالمان کشته شده اند تا امروز و روز ظهور ادامه می یابد.

شخصیت حقوقی امام علیه السلام

جریان خون خواهی بر چهار رکن بنیادین استوار است:

۱. جایگاه و ارزش شخصیت حقیقی کسی که خورش به ناحق ریخته شده است.
 ۲. شخصیت حقوقی و میزان تأثیرگذاری شخص در عالم وجود که هر چقدر بیشتر باشد میزان ثلمه (شکاف و آسیب) ناشی از محرومیت هستی از حضور او عظیم تر است.
 ۳. شدت و عظمت مصیبت و عمق فاجعه‌ای که رخ داده است.
 ۴. شخصیت قاتل که هر چه قاتل ملعون تر و شقی تر باشد، بار سنگین مصیبت و جنایت عظیم تر جلوه می‌کند.
- در جریان شهادت حضرت سیدالشهداء علیه السلام، هر چهار رکن در اوج خود قرار دارند.

در خصوص رکن دوم (شخصیت حقوقی) باید توجه داشت که معرفت ما نسبت به امام، عامل تعیین کننده‌ای است؛ هر چه معرفت ما به مقام امام عمیق‌تر باشد شدت مطالبه‌گری برای خون خواهی بیشتر می‌شود؛ چراکه درک می‌کنیم صدمه‌ای که وارد شده نه تنها در زمان وقوع جنایت اثرگذار است، بلکه صدمه‌ای مستمر است که در تمام طول تاریخ تا یوم‌القیامة بر پیکره عالم وارد می‌شود. در ماجرای سیدالشهداء (علیه السلام) خون امام که محور تمام عالم می‌باشد در نهایت ظلم و ستم بر زمین ریخته شده است، لذا خون خواهی سیدالشهداء (علیه السلام) عظیم‌ترین جریان خون خواهی در عالم می‌باشد.

این تبیین که از آن به عنوان قله بودن مظلومیت و مصیبت امام حسین (علیه السلام) یاد می‌شود، بدین معناست که این خون خواهی واجد تمامی دامنه‌هاست. تحقق خون خواهی سیدالشهداء (علیه السلام) که در قله این جریان قرار دارد، حتماً همه خون خواهی‌های گذشته تاریخ را محقق ساخته و تمام آرزوها و امیدهای انبیاء و اولیای الهی با این خون خواهی محقق می‌گردد.

بر این اساس عظمت و بزرگی هر خون دیگری در عالم از جمله خون شهدای جبهه حق دقیقاً به این بستگی دارد که تا چه حد به جریان خون سیدالشهداء (علیه السلام) منتسب شود، چراکه خون ایشان، جامع و دربرگیرنده تمام خون‌های پاک است.



همان طور که گریه بر سیدالشهدا علیه السلام گریه بر تمام شهیدان است و امام رضا علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: «یا ابْنَ شَیْبٍ إِنْ كُنْتَ بَاكِياً لَشَيْءٍ فَأَبْكُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ»؛ ای پسر شیب! اگر خواستی بر چیزی گریه کنی، پس برای حسین بن علی علیه السلام گریه کن.

ارتباط خون امام شهید با سیدالشهدا علیه السلام

برای تحقق خون خواهی امام شهید و دیگر شهدای جبهه مقاومت باید پرچم خون خواهی سیدالشهداء علیه السلام که «**یالثارات الحسین علیه السلام**» است برافراشته شود. هر چه رابطه عمیق‌تری بین جریان خون خواهی امام شهید با آن حضرت برقرار شود موجب عظیم شدن خون خواهی امام شهید می‌گردد. خون امام حسین علیه السلام جامع همه خون‌هاست و از این رو، هر خونی که به این جریان منتسب گردد، عظمت می‌یابد؛ چرا که این خون در برگیرنده تمام خون‌های پاک است. جامعیت این خون نیز برخاسته از انتساب مستقیم آن به حقیقت «**ثارالله**» است؛ بدین معنا که ممکن است سایر اولیاء الهی هر کدام ثار اسمی از اسماء خاص خداوند باشند، اما این ثار «**ثارالله**» است؛ یعنی خون خواهی منتسب به اسم جامع خداست.

اسم شریف «الله» اسم جامع است، لذا خداوند خود متکفل خون خواهی سیدالشهداء علیه السلام می شود؛ چنانچه در زیارت نامه آن حضرت خطاب به ایشان عرض می کنیم: «أَنْتَ ثَارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَالْدَّمُ الَّذِي لَا يُدْرِكُ نَارُهُ (تَبَرُّهُ) أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَلَا يُدْرِكُهُ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ»؛ گواهی می دهم که خداوند خون خواه تو در زمین است و تو آن خونی هستی که هیچ کس از اهل زمین نمی تواند انتقام آن را بازستاند و هیچ کس جز خداوند یگانه انتقام گیرنده آن نیست.

خون خواه حقیقی و اولین کسی که عظمت این خون را می شناسد و آن را خون خواهی می کند، خود خداوند است و این خون هم خون خداست و اولین مرتبه خون خواهی خداوند برای سیدالشهداء علیه السلام آن بود که امامت را در نسل و ذریه ایشان قرار داد؛ یعنی دشمن می خواست با شهادت ایشان نور حق و عدالت طلبی ایشان را خاموش کند، اما خداوند وجود نازنین حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف و نسل امامت را که تحقق وعده عدالت کامل و برهم زنده ظلم و جور در عالم و اقامه کننده حق در عالم است را در نسل ایشان قرار داد.

بنابراین برای تحقق خون خواهی امام شهید، باید آن را به جریان خون خواهی سیدالشهدا علیه السلام و یالثارات الحسین علیهم السلام متصل نمود و لحظه به لحظه خون خواهی سیدالشهدا علیه السلام که منجر به خون خواهی امام شهید و شهدای دیگر می شود را در جامعه گفتمان کرد. نباید اجازه داد خون خواهی و مطالبه قصاص در جامعه کمرنگ شود یا از اولویت دغدغه ها خارج گردد.

يَا أَيُّهَا الْمَدِينَةُ
قَالَ
ارْجِعِي
وَيَا صَمَامَ الْمُنْتَقَمِ
۱۴۰۴

منتقم کیست؟

عَلَّاهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفُ

■ خدا و امام زمان

اولین منتقم سیدالشهدا علیه السلام، خود خداوند متعال است. انتقام و خون خواهی خداوند متعال برای سیدالشهداء علیهم السلام در گام اول این مسئله بود که امامت را در صلب آن حضرت قرار داد. همچنین در روایت آمده است: «أَنَّ اللَّهَ عَوَّضَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَتْلِهِ أَرْبَعَ خِصَالٍ جَعَلَ الشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ وَاجَابَةَ الدُّعَاءِ تَحْتَ قُبَّتِهِ وَالْإِمْنَةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَأَنْ لَا تُعَدَّ أَيَّامُ زَائِرِيهِ مِنْ أَعْمَارِهِمْ»؛ همانا خداوند در عوض شهادت امام حسین علیه السلام چهار خصلت به ایشان عطا فرمود: شفا را در تربت او

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۳۷.

و استجابت دعا را در زیر گنبدش نهاد، امامان را در نسل او قرار داد و اینکه روزهای زیارت زائرانش از مدت عمرشان به حساب نمی آید.

دشمن به دنبال کشتن سیدالشهداء علیه السلام و نابودی اندیشه ایشان بود، حال آنکه تحقق هدف ایشان و آن وعده نهایی که قسط و عدالت در جهان و برپیده شدن طاغوت در عالم است، به دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که از شجره طیبه اولاد سیدالشهداء علیه السلام می باشد رقم خواهد خورد؛ همانطور که نبی اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی که سلمان فارسی آن را نقل کرده است فرمودند: «الْأَيُّمَةُ مِنْ بَعْدِي بَعْدَ نُقْبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَانُوا اثْنَيْ عَشْرَ مِائَةً وَخَمْسِينَ عَلَى صُلْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِهِ وَالتَّاسِعُ مَهْدِيُّهُمْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جُورًا وَظُلْمًا قَالُوا لَيْلُ الْمُبْغِضِ مِنْهُمْ»؛ امامان پس از من به شمار نقیبان، سرپرستان و برگزیدگان بنی اسرائیل هستند و آنان دوازده تن بودند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را بر پشت حسین علیه السلام گذاشت و فرمود: نه تن از آن امامان از نسل او هستند و نهمین آنان مهدی ایشان است؛ همان کسی که زمین را سرشار از عدل و داد می کند، همان گونه که از ظلم و ستم آکنده شده باشد. پس وای بر کینه توزان و دشمنان آنان». بنابراین منتقم و خون خواه حقیقی سیدالشهداء علیه السلام که هدف قیام ایشان را محقق می گرداند و در عالم اقامه قسط خواهد نمود، وجود نازنین امام

زمان عَکَالِلهِ عَکَالِ است که با اراده الهی به خون خواهی سیدالشهداء عَکَالِلهِ و تمام شهدا از هابیل تا روز قیامت برمی خیزد.

■ مؤمنین

اولاً و اصالتاً امام زمان عَکَالِلهِ عَکَالِلهِ خون خواه و منتقم حقیقی سیدالشهداء عَکَالِلهِ است؛ زیرا تنها اوست که عمق این رخنه و ثلمه و شکاف ایجاد شده در اسلام را می شناسد و بر میزان ظلمت پدید آمده واقف است. به تبع ایشان، مؤمنین نیز هر کدام به قدر معرفتی که از امام دارند، می توانند در صف منتقمین و خون خواهان آن حضرت قرار بگیرند؛ بر همین اساس زائر در زیارت عاشورا دوبار طلب رزق خون خواهی در معیت امام زمان عَکَالِلهِ عَکَالِلهِ را مطرح می کند. هم چنین بین مؤمنین مرسوم بوده است که در ایام عاشورا از امام باقر عَکَالِلهِ عَکَالِلهِ سؤال می کردند که وقتی به یکدیگر رسیدیم چگونه تسلیت بگوییم؟ حضرت فرمودند اینگونه بگویید: «أَعْظَمَ اللهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ». این دستور العمل امام به سه مؤلفه عظمت مصیبت، زنده نگه داشتن جریان عاشورا و قرار گرفتن در صف خون خواهان در رکاب بقیه الله عَکَالِلهِ عَکَالِلهِ اشاره دارد. بر این اساس حالت خون خواهی

یک برائت وجودی و عینی است که باید در جان جامعه شکل بگیرد. ما نیز اگر بخواهیم حرکتی حقیقی در مسیر خون‌خواهی انجام دهیم باید این حرکت را حول محور نائب امروز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ساماندهی کنیم و تحقق ببخشیم. در عین حال، باید توجه داشت که خون‌خواه خود این نایب نیز شخص حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است که این امر کل جریان خون‌خواهی معاصر را مستقیماً به دایره قیام در کنار حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف پیوند می‌زند.

■ انقلاب اسلامی

خون بهای سیدالشهداء عجل الله تعالی فرجه الشریف، اقامه قسط و ازاله طاغوت در سراسر عالم است؛ لذا تحقق کامل آن در زمان ظهور حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رقم خواهد خورد، با این حال فرآیند خون‌خواهی باید پیوسته در جریان باشد. خون‌خواهی سیدالشهداء عجل الله تعالی فرجه الشریف یک اتفاق لحظه‌ای نیست که صرفاً در زمان ظهور محقق گردد، بلکه فرآیندی است که در آن زمان به نتیجه حداکثری خود می‌رسد. **انقلاب اسلامی ایران در امتداد حرکت عاشورا، نظامی را در کشور مستقر کرد که طاغوت از آن ازاله شده و مراتبی از اقامه قسط در آن رقم خورد.** در واقع انقلاب اسلامی به دنبال تحقق آرمان‌ها و اهداف عاشورا است؛ همان طور که رهبر معظم انقلاب در پیام خود به قوه قضائیه به آن اشاره کرده و فرمودند: «خون سیدالشهداء عجل الله تعالی فرجه الشریف را خون خدا می‌نامند

که درگ‌های عالم جاری شده و حماسه‌های حیات بخش می‌سازد. نهضت و انقلاب اسلامی ایران از آن رو که شعبه‌ای برگرفته از همین سرچشمه نورانی است باید همواره در پی دستیابی به اهداف قیام حسینی باشد.» بنابراین انقلاب اسلامی اساساً حرکتی برای خون‌خواهی سیدالشهداء علیه السلام بوده است و در رأس آن، امام خمینی و امام شهید از بزرگ‌ترین خون‌خواهان سیدالشهداء علیه السلام بودند که در تبعیت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریع، فرآیند انتقام خون ایشان را به پیش بردند. امروز نیز نگاه به خون‌خواهی امام شهید باید این گونه باشد که این مسیر در امتداد انتقام خون سیدالشهداء علیه السلام است؛ لذا شعار اساسی این حرکت «یا ثارات الحسین علیه السلام» است.



مراتب خون خواهی

■ نخستین گام

خون خواهی مراتبی دارد که نخستین گام آن، قصاص است؛ همچنان که امیرالمؤمنین علیه السلام نیز اشاره دارند،^۱ مقدمه برداشته شدن ظلم، محو کردن و ریختن خون کسانی است که سبب خون ریزی و ظلم شده بودند و اساساً خون خواهی و رسیدن به آن کمالاتی که بر خون خواهی مترتب است، فقط با قصاص محقق می شود. در واقع قصاص، گام اول خون خواهی است که قطعاً باید صورت بپذیرد؛ چرا که بازدارندگی و امنیت فرآیند کامل خون خواهی را قصاص تأمین می کند. بعد از سیدالشهداء علیه السلام دشمنان اهل بیت علیهم السلام جرئت نکردند آن ها را علنی

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۶؛ «لَا يُطَهَّرُ اللَّهُ الْأَرْضَ مِنَ الظَّالِمِينَ حَتَّى يَسْفِكَ دَمَ الْحَرَامِ»، خداوند زمین را از ظالمان پاک نمی گرداند تا زمانی که خون حرام ریخته شود.

به شهادت برسانند چرا که طعم تلخ خون خواهی و قصاص را بعد از سیدالشهداء علیه السلام توسط مختار چشیدند. لذا امروز برای تحقق امنیتی پایدار و از میان بردن هرگونه جسارت دشمنان نسبت به نائب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک، چاره‌ای جز این نیست که فرآیند قصاص، به عنوان یک اصل حیاتی، به طور جدی کلید خورده و به مرحله اجرا درآید. این تکلیف سنگین و تاریخی، نه تنها بر دوش مردم متعهد و مسئولان دلسوز کشورمان قرار دارد، بلکه تمامی آزادگان و عدالت خواهان عالم نیز موظف‌اند با تمام توان و امکانات خویش در مسیر تحقق این قصاص الهی گام بردارند. نتیجه این عزم همگانی باید چنان باشد که قاتلان مأمور این جنایت، هرگز طعم آرامش و آسایش را نچشند و لحظه‌ای به خود جرأت خواب راحت ندهند.

■ ایجاد ناامنی روانی برای مسببین شهادت

اگر اسم مسببین شهادت امام شهیدمان؛ از آن رئیس جمهور پلید آمریکا تا آن خلبانی که آمد و بمباران کرد یا موشک زد، در تمام رده‌ها منتشر شود، چقدر ناامنی برای این‌ها در سراسر عالم ایجاد خواهد شد؟ ترس از انتقام برای همه این‌ها نحوه‌ای از خون خواهی به شمار می‌رود. البته این نهایت خون خواهی نیست، بلکه آغاز آن است، ولی مرتبه‌ای از خون خواهی است که باید مورد مطالبه مردم قرار گیرد. باید مؤمنان در سراسر عالم کاری

کنند که دشمن بفهمد یک مرجع تقلید، رهبر امت، یک دانشمند الهی و دینی و کسی که مقتدای مردم و نفس زکیه است را نمی‌توان به راحتی شهید کرد و بعد هم با افتخار از آن دم زد. نگوئید ما کجا و آن‌ها کجا! اگر واقعاً باور کردیم، خدای سبحان دست انسان را باز می‌کند و بن‌بست‌ها را می‌گشاید و آن جاست که جرأت ما و خوف و ترس آن‌ها تبدیل به یک مرگ دائمی برای آن‌ها می‌شود؛ به طوری که هر جا پا می‌گذارند از سایه خودشان هم بترسند. البته لازم نیست صرفاً مسلمین برای این امر اقدام کنند بلکه می‌توان مهاجرینی که در خود آمریکا هستند را اجیر گرفت. اگر ما در خون‌خواهی قدم برداشتیم خدای سبحان امداد می‌کند. قصاص فردی و اجتماعی مطابق بیان قرآن کریم که می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ!»^۱ قصاص موجب حیات بخشی و زندگی است، اگر قصاص کنار گذاشته شده و به آن توجه نشود، دیگر این جامعه امنیت و زندگی را تجربه نخواهد کرد.

■ فراتر از قصاص

گام اول فرآیند خون‌خواهی با قصاص صورت می‌پذیرد، اما خون‌خواهی با قصاص به پایان نمی‌رسد. باید توجه داشت خون‌خواهی با قصاص متفاوت است، قصاص به معنای مجازات عاملان

و آمران جنایت است. با اینکه در زمان امام سجاد علیه السلام قصاص قاتلان محقق شد و همگی به هلاکت رسیدند و در زمان امام صادق علیه السلام، حکومت بنی امیه سرنگون گردید، اما هنوز سیدالشهداء علیه السلام ثارالله است. همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در زیارت عاشورا ثارالله معرفی شده اند و حال آنکه می دانیم امام مجتبی علیه السلام ابن ملجم مرادی را به هلاکت رساندند و او را قصاص کردند. بنابراین خون خواهی با قصاص تفاوت دارد. خون خواهی امری جامع تر از قصاص می باشد. خون خواهی اعم از مجازات عاملان و آمران جنایت و سرنگونی حکومت ظلم است. وقتی یک انسان عادی کشته می شود، خانواده ای از نعمت وجود او محروم می گردد، اما هنگامی که ولی خدا، امام حق، پرچمدار و سردار جبهه توحید به شهادت می رسد، محرومیت عظیمی در مقیاس تاریخ و عالم ایجاد می شود. ولی خدا واسطه فیض، هادی امت به سوی کمال و تجلی نور الهی در تاریکی های زمین است. با حذف فیزیکی او، جامعه بشری از هدایت، بسط عدالت و رشد تمدنی محروم می گردد؛ بنابراین خون خواهی در این مقام صرفاً مجازات قاتل میدان نیست؛ بلکه تلاشی است مستمر و حماسی برای جبران این محرومیت عظیم که با تحقق اهداف و آرمان هایی که آن وجود نازنین به دنبال آن بود محقق می شود. امروز که نائب امام ما را شهید کردند، ما باید به دنبال انتقام باشیم و نباید به قصاص اکتفاء کنیم.

مراتب عملیاتی تحقق انتقام

۱. نفرت و غیظ درونی: نخستین و فراگیرترین مرتبه برای عموم مردم شکل‌گیری نفرت و غیظ شدید درونی نسبت به ظالمان و مستکبران است. این غیظ مقدس در واقع موتور محرکه و مبدأ تمام اقدامات بعدی است. انسان مؤمن باید در قلب خود نسبت به شیاطین زمان مانند آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی چنان کینه و نفرتی داشته باشد که این آتش هرگز در درونش فروکش نکند. یکی از خطرات بزرگ این است که گاهی در فضای مناسبات سیاسی یا دیپلماتیک و شنیدن حرف از مذاکره این غیظ درونی در دل انسان‌ها آرام شود و حساسیت‌ها کاهش یابد؛ در حالی که مؤمن حقیقی هرگز نباید بگذارد سر سوزنی از این نفرت گلوگیر نسبت به دشمنان کاسته شود.

۲. ابراز زبانی و مناسک سازی: نفرت قلبی نباید در حصار درون محبوس بماند، بلکه باید به زبان کشیده شده و در جامعه تبدیل به یک فرهنگ و مناسک عمومی گردد. این ابراز زبانی، همان مفهوم عمیق لعن در زیارت عاشورا است. لعن تبلور زبانی همان نفرت درونی است که وقتی در جامعه تکرار می شود، فرهنگ مقاومت را نهادینه می کند. تداوم شعارهایی مانند «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» دقیقاً در همین لایه تعریف می شود. ما نباید تحت تأثیر فضا سازی ها، شعار مرگ بر آمریکا را کنار بگذاریم، زیرا این ابراز زبانی، از جمله همان مناسک سازی خون خواهی است که زمینه ساز پرورش انسان های مجاهد برای لایه های بعدی می شود. کسانی که قدرت ابراز دارند اما در این مسیر کوتاهی می کنند در زمره ساکتین قرار می گیرند که خود در روایات مورد لعن واقع شده اند.

۳. اقدام عملی در میدان: غایت خون خواهی زمانی است که آن محبت قلبی و این ابراز زبانی به اقدام عملی در میدان منتهی شود. از دل آن جامعه ای که نفرت درونی را حفظ کرده و با مناسک سازی لعن فرهنگ سازی نموده است، عده ای از انسان های جان برکف به عنوان مقاتلین برمی خیزند که دست به سلاح برده و برای ضربه زدن ساختاری و فیزیکی به جبهه دشمن وارد کارزار عملی می شوند. تمام تلاش این دسته این است که به جبهه دشمن آسیب وارد کنند و سلطه او را از بین ببرند.



بالاترین مرتبه انتقام

خون خواهی در نگاه روایی، به ویژه در زیارت عاشورا، نه به معنای خون ریزی بیشتر، بلکه «روزی» و هدیه‌ای الهی برای رسیدن به هدف والای شهید است؛ هدفی که فراتر از قصاص فردی، تحقق آرمان‌های توحیدی و برپایی عدل الهی را دنبال می‌کند. ازاینرو، خون خواهی با قصاص تفاوت بنیادین دارد. قصاص، مجازات قاتل است و پایان می‌پذیرد،

اما انتقام، پیمودن مسیری است که شهدا برای آن جان دادند. حمزه سیدالشهدا علیه السلام در احد به شهادت رسید و قاتلش بخشیده شد، اما انتقام خون او و یارانش در فتح مکه تجلی یافت؛ نه در کشتار دشمن، بلکه در پیروزی حق، برچیدن نظام جاهلیت و استقرار حکومت اسلامی.

در مقابل، امام حسین علیه السلام گرچه قاتلانش به دست مختار قصاص شدند، اما انتقام خون ایشان همچنان باقی است؛ زیرا مصائبی که بر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد، هنوز به فرج و گشایش کامل نرسیده است. خون خواهی حسین علیه السلام همان «فتح مبین» موعود و پایان کرب و بلاست؛ آرمانی که در سایه صبر و استقامت، به برپایی جامعه‌ای سرشار از عدل و رهایی از ظلم می‌انجامد و هیچ خون اضافه‌ای در آن ریخته نمی‌شود، بلکه گردن‌کشان و ستمگران در برابر نظام توحیدی حق، سرنگون می‌گردند. بنابراین همچنان که فتح مکه انتقام حمزه سیدالشهدا علیه السلام شد، فتح مبین (برپایی عدل الهی در سرتاسر دنیا و نابودی مستکبران جهان) نیز انتقام خون امام حسین علیه السلام می‌باشد.

مسببین شهادت

۴ مرتبه و ۴ دسته افراد در ریختن خون سیدالشهداء علیه السلام دخیل و درگیر هستند که در زیارت عاشورا لعن شده‌اند. در نبرد حق و باطل باید برای این چهار مرتبه‌ای که زیارت عاشورا معرفی می‌کند، قرارگاه، نماد و پرچم طراحی شود تا دسته‌بندی‌های جبهه دشمن کاملاً مشخص گردد.

۱. عده‌ای در دسته «أَسَسَ الظُّلُمِ» قرار می‌گیرند که همان بنیان‌گذاران و فرهنگ‌سازان ظلم هستند. آنان اولین کسانی هستند که فرهنگ ظلم را بر پا کرده و این سنت سیئه را تأسیس نمودند و در برابر امام که خود مظهر و فرهنگ عدل است قیام نموده‌اند. نتیجه چنین فرهنگ و ساختاری، ظلم به اهل بیت علیهم السلام خواهد بود. این ظلم دیگر فراتر از زمان

و مکان قرار می گیرد و تمام عالم و تاریخ را دچار خسارت و مصیبت می کند. از این رو، پایه گذاران آن شایسته تمام مراتب لعن هستند.

۲. عده ای ذیل «دَفَعْتُكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ» تعریف می شوند که ساختار سازان ظلم می باشند.

۳. عده ای نیز در زمره «قَتَلْتُمْ» هستند که سربازان و فرماندهان لشکر مقابل اهل بیت علیهم السلام محسوب می شوند.

۴. عده ای نیز «مُهْدِرِينَ» هستند؛ یعنی کسانی که در جنگ علیه حق نقش زمینه سازی و تسهیل گری دارند.

ممکن است شخص واحدی جامع تمام مراتب باشد؛ یعنی هم در فرهنگ سازی و هم در ازاله مراتب و جایگاه امام نقش داشته باشد، هم در میدان قتال در مقابل امام شمشیر بزند و هم مقدمات قتال با امام مثل پشتیبانی مالی را به عهده بگیرد. در واقع هیچ کدام از این نقش ها مانع دیگری نیست.

■ دایره خون خواهی

جبهه دشمن دارای لایه بندی است و هر یک از این لایه ها به نوعی در خون سیدالشهداء علیه السلام دخیل هستند که باید در این مسیر تقاص پس بدهند. دایره خون خواهی شامل همه مراتب (۴ مرتبه) می شود و فقط مختصر در قاتلین (مباشترین در قتل) نمی باشد، البته با هر دسته ای مطابق عملشان باید خون خواهی شود. بدون شک تقابل با هر کدام از این گروه ها، برنامه و راهبرد خاص خود را می طلبد. برای هر دسته ای خون خواهی و انتقام، شکل خاصی پیدا می کند و باید به حسب آن دسته عمل شود. برای مقابله با هر لایه باید قرارگاه های تخصصی و ساختار مهندسی معکوس از رفتارهای شیطان و ظالمان ایجاد کرد. مأموریت جبهه داخلی مؤمنان از تحلیل همین چهار لایه جبهه دشمن به دست می آید؛ به این صورت که برای مواجهه با هر لایه باید حلقه های میانی متناسب با آن را تعریف کرد. وقتی این چهار لایه به خوبی شناخته شوند، در مقابل می توان مشخص کرد که چه کسانی با چه منصب مأموریت و کارکردی می توانند از عهده کدام مرتبه از این تقابل برآیند. این تشکیلات، تنها با مهندسی معکوس ساختار دشمن به دست می آید.

اساسی ترین و مهم ترین دسته، دسته اول می باشد که باید به سراغ برچیدن این تمدن شیطانی و نابودی هیمنه آن رفت؛ چرا که این نقطه ازاله طاغوت است. در واقع **خون بهای**

امام باید هم وزن و هم تراز خون مطهر امام باشد و خون نجس قاتلین به هیچ وجه قابل مقایسه با خون امام معصوم علیه السلام نیست، هر چند که در مراحل اول خون خواهی باید خون نجس آن ها نیز به زمین ریخته شود تا زمین به طهارت برسد. آن چیزی هم وزن خون مطهر سیدالشهداء علیه السلام است، هدف قیام ایشان می باشد. در زیارت نامه حضرت خطاب به ایشان عرض می کنیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ وَدَعَوْتَ إِلَيْهِمَا وَأَنَّكَ ثَارَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ حَتَّى يَسْتَيْثِرَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ»؛ شهادت می دهم که تو به قسط و عدل فرمان دادی و مردم را به سوی آن دو دعوت کردی و شهادت می دهم که تو خون خدا در زمین هستی تا آن زمان که خداوند خون بهای تو را از همه آفریدگانش بستاند. این عبارات نشان می دهد خون خواهی آن حضرت همان ازاله جور، مقابله با ظالمین و اقامه عدل است که باید محقق شود.

همین که در این فراز از زیارت امام حسین علیه السلام بلافاصله بعد از گواهی به دعوت حضرت به قسط و عدل شهادت می دهیم که او ثارالله است! این تقارن یک معنای مهم دارد؛ یعنی تا زمانی که قسط و عدل مد نظر آن حضرت در جهان برپا نشود ایشان همچنان ثارالله است و خون خواهی نشده باقی می ماند. لذا خون خواهی سیدالشهداء علیه السلام با اقامه قسط و عدل در عالم رقم خواهد خورد و مقدمه اقامه قسط، ازاله کامل و سراسری طاغوت از عالم است که با گرفتن انتقام نهایی از این ۴ دسته رقم خواهد خورد.



انتقام از ذراری قتله کربلا

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمودند: «إِذَا خَرَجَ الْقَتْلُ قَتَلَ ذُرَّارِي قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ بِفَعَالٍ آبَائِهِمْ»؛ هر زمان که قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف قیام کند، فرزندان و نسل قاتلان حسین علیه السلام را به خاطر کار پدرانشان می کشد. این روایت، روایت تکان دهنده‌ای است. شخصی در زمان امام رضا علیه السلام این حدیث به گوشش می رسد و دچار ابهام می شود. خدمت حضرت می رسد و سؤال می کند که آیا این روایت درست است؟ «فَقَالَ: هُوَ كَذْلِكَ»؛ امام رضا علیه السلام فرمودند: همین گونه است (یعنی حدیث درست و صحیح است) پس آن شخص عرض می کند: پس معنای این سخن خداوند عزوجل در قرآن چیست که می فرماید: «وَلَا

تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»؛^۱ و هیچ کسی بار گناه دیگری را بر نمی دارد. اگر طبق آیه قرآن هر کس مسئول گناه خودش است، پس چرا فرزندان به خاطر جرم پدرانشان کشته می شوند؟ «قَالَ: صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَهْوَالِهِ وَلَكِنْ ذَرَارِيُّ قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَرْضَوْنَ بِأَفْعَالِ آبَائِهِمْ وَيَفْتَخِرُونَ بِهِا»؛ امام فرمودند: خداوند در تمام گفتارهایش راست گفته است؛ و لکن فرزندان قاتلان حسین به کردار و کار پدرانشان راضی هستند و حتی به آن افتخار می کنند؛ «وَمَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ»؛^۲ و هر کس به کاری راضی باشد، مانند کسی است که آن کار را انجام داده است. مراد از فرزند در این جا صرفاً نسل خونی نیست بلکه در فرهنگ دینی، مراد از ذریه کسانی هستند که حامل همان ایده، همان تفکر و همان فرهنگ ظالمانه قاتلان کربلا باشند. بنابراین ذریه قاتلان کربلا کسانی هستند که تابع جریان ظلم هستند و امتداد فرهنگی و عملی آن جریان به شمار می روند. امروز جریان باطل، یعنی شبکه صهیونیسم بین الملل سران ستمگر غربی و جیره خواران آن ها دقیقاً مصداق همان ذراری و فرزندان تفکری قاتلان کربلا هستند؛ چرا که آن ها به همان روش شمر و یزید عمل می کنند؛ محاصره می کنند، آب را می بندند، اطفال و زنان مظلوم را در غزه و لبنان به خاک و خون می کشند و به این جنایت ها و تمدن وحشیانه خود افتخار هم

۱. فاطر، ۱۸.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۳.

می‌کنند و حتی علاوه بر کودک‌کشی، کودک‌خواری نیز می‌کنند. بنابراین خون‌خواهی از این جریان ظالم فرآیندی است که از همین امروز آغاز شده و تا روز ظهور ادامه خواهد داشت. هر ضربه‌ای که امروز امت اسلام به پیکر این رژیم صهیونی و مستکبر آمریکایی سفاک وارد می‌کند، قدمی در مسیر همان خون‌خواهی بزرگ است و بزرگترین ضربه به پیکره این تمدن منحط غرب را امام خمینی با انقلاب اسلامی وارد کرد و امام شهید با توسعه منطق انقلاب و تثبیت نظام اسلامی و جبهه مقاومت، ضربات متعددی بر پیکره آن وارد نمود. باید توجه داشت هر کاری که منجر شود سلطه‌گری غرب در عالم شکسته شود و نظم غربی جهان به هم بریزد خون‌خواهی سیدالشهداء (علیه السلام) است و در مقابل اگر کنشی منجر شود که سلطه و هژمونی آن‌ها افزایش یابد، این حرکت قطعاً پای مال کردن خون امام حسین (علیه السلام) و دیگر شهدای می‌باشد.

امروز ما در جایگاه خون‌خواهی قرار داریم و خون‌خواه مظلومانی که در لبنان، فلسطین، سوریه، یمن، ایران، عراق و افغانستان به دست مستکبران بر زمین ریخته شده است، هستیم. جمهوری اسلامی ایران به عنوان حقیقتی که خود را پیرو قرآن و تابع ولایت می‌داند به سنت‌ها و وعده‌های الهی باور عمیق دارد و خداوند نیز در این مسیر او را یاری کرده است.

آثار و برکات خون خواهی

خون خواهی سیدالشهداء علیه السلام در ادبیات روایی امری بسیار پررنگ است. بحث خون خواهی آن حضرت در روایات شیعی جایگاهی بلند و محوری دارد؛ به گونه‌ای که در زیارت عاشورا، این خواسته بزرگ، به عنوان «روزی» الهی معرفی شده است. در فرازهایی از این زیارت، به سیدالشهداء علیه السلام عرضه می‌داریم: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ»؛ از خدایی که مقام والای شما را گرامی داشت و ما را به وجود شما عزت بخشید، درخواست می‌کنم «أَنْ يَرْزُقَنِي»؛ روزی‌ام گرداند؛ روزی‌ای که حقیقتاً هدیه‌ای آسمانی و تحفه‌ای ویژه از سوی پروردگار است. این روزی ارزشمند چیست؟ «طَلَبَ تَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله»؛ این روزی‌ای که از خداوند درخواست می‌کنیم چیزی جز توفیق خون خواهی شما، در کنار امام منصور

از خاندان پاک پیامبر ﷺ نیست. بی شک، خون خواهی سرشار از برکات و آثار بی شماری است؛ از این رو، شایسته است که این آرمانِ متعالی، به عنوان محور حرکت و شعار اصلی جامعه مهدوی و ایمانی قرار گیرد.

*** نشانه تولی و تبری:** در نظام تربیتی و معرفتی اسلام حرکت انسان به سوی خداوند و رسیدن به سعادت بر پایه شوق به کمال و تنفر و بیزاری از بدی ها و زشتی ها بنا شده است. این دو فطرت در وجود انسان کاملاً با یکدیگر متلازم و درهم تنیده اند؛ به این معنا که رسیدن به خوبی هرگز با ماندن در بدی همراه و جمع نمی شود؛ بلکه فرار و بیزاری از بدی ها بر شوق به کمال تقدم دارد و تا زمانی که انسان از بدی ها جدا نشود و از آن ها بیزاری نجوید به خوبی ها نخواهد رسید. این قاعده تکوینی در نظام تشریع و اعتقادات ما به عالی ترین شکل در قالب دو اصل «تولی» و «تبری» تجلی می یابد. در این منظومه فطرت شوق به کمال همان موالات و محبت نسبت به جبهه حق و امام حسین (علیه السلام) است و فطرت فرار از نقص همان برائت و خون خواهی نسبت به ظالمان و قاتلان اولیای الهی است. اگر کسی ادعای شوق به کمال و محبت اهل بیت (علیهم السلام) را داشته باشد، اما نسبت به دشمنان آنان حالت انزجار نداشته باشد، در حقیقت ادعای شوق به کمالش نیز صادق

نمی‌باشد. بر همین اساس به امام صادق علیه السلام عرض شد که شخصی اهل موالات با شماست اما در برائت از دشمنان شما ضعف دارد، حضرت فرمودند: «هَيْهَاتَ كَذَبَ مَنْ ادَّعَى مَحَبَّتَنَا وَلَمْ يَتَبَرَأْ مِنْ عَدُوِّنَا»؛ دروغ می‌گویند کسی که ادعای محبت ما را دارد، اما از دشمن ما بیزاری نمی‌جویند.

❖ **تشخیص نفاق و منافق:** بغض و کینه مقدس نسبت به دشمنان خدا، در حقیقت همان دستگاه ایمنی روح انسان است. کسی نمی‌تواند ادعا کند که من جبهه حق و اهل بیت علیهم السلام را دوست دارم اما نسبت به دشمنان خونی آنان بی تفاوت هستم یا خدای ناکرده به آن‌ها لبخند می‌زنم و رابطه حسنه دارم. محال است که محبت امام در دلی جای بگیرد، اما بغض دشمنان آن‌ها در آن دل نباشد. اگر کسی غضب و دفع درونی نسبت به مستکبران نداشته باشد، به این معناست که ویروس باطل را در درون خود مهمان کرده است؛ چنین انسانی به تدریج مرزهای حساسیت خود را نسبت به تمامی بدی‌ها از دست می‌دهد و دستگاه ایمنی روحی‌اش فلج می‌شود. فتنه چنین افرادی از دجال بدتر است، زیرا دجال باطل محض و آشکار است، اما این افراد با قرار دادن یک پای خود



در خیمه اهل بیت علیهم السلام و پای دیگر در خیمه دشمنان مثل آمریکا و مستکبرین غربی، مرزهای میان حق و باطل را مخدوش می‌کنند و زمانی که حق و باطل در هم آمیخته شد، دیگر تشخیص مؤمن از منافق برای جامعه دشوار می‌گردد.

*** موتور محرک بعثت امت:** موتور محرکی که باعث می‌شود اصحاب امام زمان علیه السلام حرکت خود را با صلابت و قدرت ادامه دهند، خون‌خواهی سیدالشهداء علیه السلام است. اهل بیت علیهم السلام جریان تحقق ولایت ظاهری خود و زنده ماندن اهداف و آرمان‌های والای شیعی را در بستر عزای سیدالشهداء علیه السلام و خون‌خواهی ایشان دنبال کردند. شهادت رهبران و اولیای الهی مفاهیم دینی را از حالت مفهومی و ذهنی خارج کرده و به حالت مصداقی و عینی تبدیل می‌کند. اگر تا پیش از این، واژگانی چون بیعت، ثارالله و خون‌خواهی تنها در متون و زیارات خوانده می‌شد و حالتی مفهومی داشت، امروز با ریخته شدن خون پاکان بالخصوص نائب امام زمان علیه السلام، این مفاهیم به حقیقتی جوشان، وجدانی و حرکت‌آفرین در رگ‌های جامعه تبدیل شده‌اند. **با ریخته شدن خون شهید، اهداف و آرمان‌های آن شهید در رگ‌های جامعه جاری می‌شود و بیش روی مردم قرار می‌گیرد و جریان خون‌خواهی موتور محرک حرکت به سمت این اهداف می‌باشد و بعثت مردمی**

شکل گرفته را استمرار می بخشد و روزگار جدیدی را رقم می زند که به تمدن سازی نوین اسلامی گره خورده است. لذا وقتی امام صادق علیه السلام می خواهد اوصاف اصحاب امام زمان علیه السلام را بیان کند، می فرماید: «شِعَارُهُمْ يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ!»؛ شعار اصحاب امام زمان علیه السلام خون خواهی امام حسین علیه السلام است؛ یعنی عامل و انگیزه شان همین خون خواهی می باشد.

*** زمینه سازی ظهور:** باید توجه داشت که اساس قیام حضرت ولی عصر علیه السلام بنا شده است. برای تحقق آن مرتبت عظیم اقامه قسط و عدل در عالم بر پایه خون خواهی بنا شده است. خروج حضرت و مسئله خون خواهی دو حقیقت درهم تنیده و پیوسته اند؛ بدین معنا که هر اندازه خون خواهی ولی خدا شدت یابد و امت اسلامی از این فریضه به سادگی عبور نکند به همان نسبت به عصر ظهور نزدیک تر شده ایم. اگر در امتداد تاریخ قیام مردمی برای تحقق این خون خواهی زودتر شکل می گرفت بی شک ظهور نیز زودتر محقق می گشت؛ چرا که ظهور تابع تام و تمام خون خواهی حضرت سیدالشهدا علیه السلام است و چنانچه این خون خواهی به ورطه فراموشی سپرده شود، تمامی وعده های الهی پیرامون ظهور به تأخیر

خواهد افتاد. بنابراین خون خواهی خون اولیاء الهی علامت این است که ظهور دارد نزدیک می شود. ما باید هر اتفاقی را دلیلی بر خون خواهی امام حسین علیه السلام قرار دهیم. هرچه خون خواهی اباعبدالله علیه السلام شدت پیدا کند، درک ما از ظهور امام قوی تر می شود و با شدیدتر شدن مقابله ها، ظلم و جور کمتر خواهد شد. لذا شهادت آقای ما و امام شهید ما باید توان خون خواهی امام حسین علیه السلام را در ما شدت ببخشد.

*** امنیت و بازدارندگی:** جریان خون خواهی ضمانت کننده امنیت ولی خدا و جامعه است. اگر شهادت امام شهید، فرماندهان و ملت شریف ایران برای دشمن کم هزینه باشد، آن را دوباره تکرار خواهد کرد. **باید جریان خون خواهی در عالم فراگیر گردد به طوری که هزینه سنگینی را دشمن متحمل بشود که دیگر جرئت تعدی و تعرض به ولی خدا را نداشته باشد.** همانطور که بعد از سیدالشهداء علیه السلام به صورت علنی جرئت به شهادت رساندن ائمه علیهم السلام را نداشتند. امروز اگر دشمن هزینه سنگینی بابت شهادت امام شهید نپردازد قطعاً این عمل را دوباره تکرار خواهد کرد، لذا هم مسئولان و هم آحاد آزادگان عالم باید اراده قاطع خود را برای

خون خواهی و قصاص قاتلین امام شهید، کودکان میناب و دیگر شهدا نشان داده و اقدامات عملی جدی در این زمینه را در دستور کار خود قرار دهند.

✱ **عامل وحدت بین مؤمنین:** رسول مکرم اسلام ﷺ در روایتی فرمودند: «أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَتَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالتَّجَرُّبُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ»؛ وثیق ترین ریسمان ایمان، محبت و دوستی در راه خدا و دشمنی و برائت ورزیدن در راه خدا، موالات و دوستی با دوستان خداوند و بیزار ی و دوری جستن از دشمنان خداوند است. محبت و بغض یک گوهر گران بها و قدرتی عظیم است که اگر انسان به درستی باور کند از بزرگ ترین سرمایه های وجود او هستند، همان طور که از چشمان و گوش های خود مراقبت می کند، از این سرمایه نیز با دقت بیشتری مراقبت و استفاده خواهد کرد. متأسفانه بسیاری از ما محبت و بغض را به عنوان سرمایه نمی بینیم و آن ها را بی پروا در مسیرهای نادرست و متضاد خرج می کنیم. محبت و بغض قدرتی دارد که اگر به درستی مدیریت شود، می تواند جهان درونی و بیرونی انسان را دگرگون سازد و راه قرب به سوی بی نهایت را هموار سازد. خون خواهی تبلور و مصداق بغض شدید الهی نسبت

به دشمنان خداوند است که در وجود انسان قرار گرفته و همچنین تبلور محبت الهی به ولیّ خداوند است که به شهادت رسیده است و ملازم بیعت و محبت با ولیّ دم او می باشد. از این رو **خون خواهی مملو از حب و بغض الهی است که به عنوان حبّ الله، عامل وحدت معرفی شده است.** امروز اگر می خواهیم وحدت جامعه تحکیم و تقویت شود باید مسئله خون خواهی را محور قرار دهیم. اگر کسی می خواهد این مسئله را تقلیل دهد یا به فراموشی بسپارد در واقع دارد وحدت جامعه را تضعیف می کند و باید توجه داشت که عامل مهمی که وحدت جامعه را تقویت می کند، موضوع خون خواهی است.

✽ **تقرب به خدا و اهل بیت علیهم السلام:** ملاک و عیار نهادینه شدن مصیبت سید الشهداء علیهم السلام در وجود انسان این است که ببیند تا چه اندازه به صحنه خون خواهی و مبارزه با ظالمان کشیده شده است. هر میزان که این داغ در جان انسان شعله ورتر شود، بی قراری او برای گرفتن انتقام حق بیشتر می شود. هر قدر که انسان خون خواه تر باشد نشان دهنده آن است که به امام شهید خود نزدیک تر است. فرض کنید فردی را نمی شناسید و به شما می گویند که او در راه امر به معروف و نهی از منکر به شهادت رسیده است. طبیعتاً شما از قاتل او

بدتان می‌آید و شاید دوست داشته باشید انتقام او را بگیرید، اما تحرک ویژه‌ای در شما شکل نمی‌گیرد، اما اگر به شما بگویند برادران یا رفیقان در راه امر به معروف به شهادت رسیده است، دیگر حس خون‌خواهی سراسر وجود شما را فرا می‌گیرد و تا قاتل را قصاص نکنید آرام نمی‌گیرید. این امر نشان می‌دهد انسان هر چقدر خون‌خواه فردی باشد به همان اندازه به او نزدیک است. بنابراین ملاک نزدیکی ما به سیدالشهدا علیه السلام این است که چقدر خون‌خواه ایشان هستیم. لذا در زیارت عاشورا خطاب به آن حضرت عرض می‌کنیم: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ وَبِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجُورَهُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ»؛ ای اباعبدالله! من تقرب می‌جویم به سوی خدا و به سوی رسول او و به سوی امیرالمؤمنین و به سوی فاطمه و به سوی حسن و به سوی تو به واسطه موالات و دوستی با تو و به واسطه برائت و بیزاری از کسانی که پایه و اساس این ستم را بنا نهادند و عمارت ظلم خود را بر آن استوار کردند و در ظلم و ستم خود بر شما و بر شیعیان و پیروان شما استمرار ورزیدند. عامل تقرب به خداوند و اهل بیت علیهم السلام تولی و تبری است که هر دو آن‌ها در خون‌خواهی نهفته‌اند.

سلام بر حسین بن علی علیه السلام
 که با یاران معدود خویش ... از ناچیز بودن عده و عده،
 به خود خیال سازش با ستمگر را راه نداد و کربلا را
 قتلگاه خود و فرزندان و اصحاب معدودش قرار داد
 و فریاد
هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ
 را به گوش حق طلبان رساند.
 روح الله الموسوی الخمينی
 ۱۶ مرداد ۱۳۶۵

که به دنبال ارتباط بیشتر
 محتاجان سیدالشهدا علیه السلام است...
 قرار نیست مشعر تولید کند.
 قرار است مشعر آینه تولیدات
 و فعالیت‌های شما باشد.
 اینجا، جای آرم هیأت شماس
 که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...



نشر هیات امروز
 heyatemrooz.ir
 @heyatemrooz_ir

۰۲۵ - ۳۶ ۶۳ ۱۲ ۲۰
 ۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
 www.1542.org
 info@1542.org

جامعه ایمانی مشعر،
 محفلی است برای گردآمدن
 هیأت‌های کشور،
 مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
 جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
 تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
 اجتماعی ایمانی و توحیدی است